

تحلیلی بر مسأله «عرض أعمال» با رویکردی بر آیه ۱۰۵ توبه

سید محمدرضا حسینی نیا*

چکیده

آیه ۱۰۵ توبه بیانگر آن است که اعمال انسان‌ها در مرآی و منظر خدای متعال، پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان است. بر این پایه عالمان شیعه معتقدند: اعمال انسان‌ها در روزهای خاصی به محضر خدای متعال، نبی اکرم ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام عرضه می‌شود. همچنین عالمان اهل سنت بر این باورند که اعمال انسان‌ها در روزهای خاصی، به محضر خدای متعال، پیامبران، پدران، مادران و اموات عرضه می‌شود. تحقیق پیش‌رو با رویکردی بر آیه ۱۰۵ توبه به تحلیل بحث موردنظر پرداخته است. نتایج حاصله از تحقیق نشان می‌دهد، عرض اعمال دارای ادله نقلی مانند: آیات و روایات بیان‌کننده شهادت بر اعمال، لزوم وجود میزان، استغفار، هدایت باطنی، سرنوشت انسان و مسأله ظهور و نیز براهین عقلی مانند: تولید ابدان متعدد توسط روح انسان کامل، عقل مستفاد و تأسیس مدینه فاضله است.

واژگان کلیدی

آیه ۱۰۵ توبه، تفسیر کلامی، عرض أعمال.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسئله

توجه به آگاهی خدای متعال از اعمال انسان‌ها و رؤیت آنها به وسیله رسول خدا و امامان معصوم علیهم‌السلام، نقش بسیار مهمی در اصلاحات فردی و اجتماعی انسان‌ها و مراقبت از گفتار و کردار آنها ایفا می‌نماید. آیه شریفه «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه / ۱۰۵) بر این مسئله دلالت دارد. یکی از مسائل اعتقادی مشترک و مورد اتفاق اهل سنت و امامیه مسئله «عرض اعمال» است. اهل سنت بر پایه روایاتی از پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، معتقدند: اعمال امت اسلام در روزهای دوشنبه و پنجشنبه به محضر خدای متعال و در شب‌های جمعه به محضر انبیا، پدران و مادران عرضه می‌شوند (ترمذی، ۱۹۹۲: ۲ / ۲۶۰؛ متقی هندی، ۱۴۱۹: ۱۶ / ۱۹۵) و امامیه نیز بر این باورند اعمال انسان‌ها هر هفته به محضر خدای متعال، رسول گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم‌السلام عرضه می‌شوند. (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۲۷)

پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری، در صدد پاسخ‌گویی به سؤال‌های ذیل است. ۱. دلالت آیه ۱۰۵ سوره توبه بر عرض اعمال چگونه است؟ ۲. چه دیدگاه‌هایی درباره مسئله عرض اعمال وجود دارد؟ ۳. ادله نقلی و عقلی عرض اعمال کدامند؟ ۴. چه آثاری بر عرضه اعمال مترتب است؟ درباره مسئله مذکور به‌طور پراکنده در کتاب‌های تفسیری مطالبی نوشته شده اما به‌صورت مستقل و منسجم تحقیقی در این‌باره تدوین نشده است.

مفهوم عرض اعمال

عنوان «عرض اعمال» برگرفته از عبارت «تُعْرَضُ الاعْمَالُ» است، که در روایات متعددی در منابع روایی شیعه و سنی آمده است. در اصطلاح به معنای آن است که اعمال امت به طرق خاصی بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام عرضه و آنها از اعمال امت مطلع می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱: ۶ / ۲۰۶) یادآور می‌گردد بر پایه روایات موجود، اطلاع ذوات مقدسه از اعمال انسان‌ها، هم شامل دنیا می‌شود و هم آخرت و البته چگونگی عرضه در دنیا و آخرت متفاوت است، بر این اساس برخی اندیشمندان معاصر معتقدند که عرضه اعمال در دنیا همانند نشان‌دادن عکس و تصویری از عملکرد انسان است و در آخرت حاضرکردن خود اعمال است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱ / ۳۷۶)

ارکان عرض اعمال

عرض اعمال دارای چهار رکن اساسی: عرضه‌شونده، زمان عرضه، محل عرضه و عرضه‌کننده است.

الف) عرضه‌شونده

بر پایه روایات متعدد، عرضه‌شونده اعمال انسان‌ها هستند، اما درباره اینکه آیا اعمال همه انسان‌ها منظور است یا گروه خاصی از قبیل: مؤمنان، بندگان و امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم لسان روایات مختلف است. در برخی روایات از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که فرمود: «تعرض اعمال اهل الدنیا علی الله» (حویزی، ۱۴۱۵: ۲ / ۲۶۴)، در برخی روایات نیز آمده است: «تعرض اعمال امتی» (ابن طاووس، ۱۳۸۱: ۵۹) و در برخی روایات نیز واژه عباد به کار رفته است «تعرض اعمال العباد». (حویزی، همان: ۲۶۳)

ب) زمان عرضه

زمان عرض اعمال نیز در روایات متعدد به‌صورت مختلف بیان شده است که عبارتند از: هر صبحگاهان (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۵۴۳)، روز پنجشنبه (صفار قمی، ۱۴۰۴: ۱ / ۴۲۶)، روزهای دوشنبه و پنجشنبه. (پاینده، ۱۳۶۳: ۳۸۵)

ج) مخاطبان عرضه

مخاطب عرضه و کسانی که اعمال بر آنها عرضه می‌شود نیز به صورت‌های مختلفی بیان شده است، روایات شیعه مخاطبین

تحلیلی بر مسأله «عرض اعمال» با رویکردی بر آیه ۱۰۵ توبه □ ۲۵

عرضه راه خدای متعال، پیامبر گرامی اسلام و امامان معصومین علیهم السلام برشمرده‌اند «تُعْرَضُ الْأَعْمَالُ عَلَى اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَعَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ» (ابن طاووس، ۱۳۷۶: ۱۶) و روایات اهل سنت مخاطبان عرضه راه خدای متعال، پیامبران الهی، پدران و مادران دانسته‌اند «و تعرض علی الانبیاء و علی الایماء والامهات». (ترمذی، ۱۹۹۲: ۲ / ۲۶۰)

د) عرضه‌کننده

بیشتر روایات عرض اعمال درباره عرضه‌کننده اعمال ساکت هستند، در برخی روایات آمده است که خدای متعال در هنگام تولد امام، عمودی از نور برای او قرار می‌دهد که به وسیله آن اعمال بندگان را می‌بیند «اذا ولد الامام رفع له عمود نور یری به اعمال العباد» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: ۷۷) برخی مفسران معتقدند که عرضه‌کنندگان اعمال همان کاتبان کرام و ملائکه ضبط احوال هستند و آن را از جنس وحی دانسته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱ / ۱۵۸)

دیدگاه‌ها

به‌طور کلی دو دیدگاه درباره مسئله عرض اعمال وجود دارد. دیدگاه منکران و دیدگاه قائلان، منکران که تعداد اندکی هستند خود به چند دسته تقسیم می‌شوند، دسته یکم منافقان و سست‌ایمان‌ها که در برخی روایات به آنها اشاره شده است، از جمله در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است هنگامی که آن حضرت این مسئله را تشریح می‌کردند، گروهی از منافقان و شکاکان آن را مورد تمسخر و انکار قرار دادند؛ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۲ / ۱۶۲) دسته دوم کسانی هستند که آن را مستبعد شمرده‌اند، مانند عبدالله بن ابان الزیات که در هنگام تشریح مسئله عرض اعمال از سوی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ، عبارت «فَأَسْغَطَمْتُ ذَلِكَ» را بر زبان جاری کردند؛ (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۵۴۵) دسته سوم نیز برخی مفسران اهل سنت مانند آلوسی هستند که عرض اعمال را به‌گونه‌ای که شیعه به آن معتقد است را انکار و بر این باورند که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از گناهان کلی امت پس از خود مطلع است و نسبت به گناهان و طاعات یکایک امت به‌صورت مشخص و معین، بی‌اطلاع است و با فرض قبول اطلاع پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اعمال امت، آنها را فراموش خواهد کرد و در ادامه به حدیث «انک لا تدری ما احدثوا بعدک» استناد جسته است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۱ / ۲۳۳) در مقابل منکران عرض اعمال، قائلان به این مسئله هستند که اکثر قریب به اتفاق دانشمندان اهل سنت و امامیه را شامل می‌شوند و به ادله‌ای نیز استدلال کرده‌اند.

ادله عرض اعمال

ادله عرض اعمال شامل دو دسته ادله نقلی و عقلی می‌شوند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف) ادله نقلی

۱. آیات

ادله نقلی شامل آیات و روایات فراوانی است، از میان آیات، آیه ۱۰۵ سوره توبه انتخاب گردیده و محور مسئله عرض اعمال خواهد بود. قرآن کریم در این آیه می‌فرماید:

وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰی عَالَمِ الْغُیْبِ وَالشَّهَادَةِ فِیْبَیْنِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. (توبه / ۱۰۵)

استدلال به آیه مذکور برای اثبات مسئله عرض اعمال، مستلزم روشن شدن نکات ذیل است:

مخاطبان آیه

در اینکه مخاطبان آیه چه کسانی هستند؟ اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مفسران با استناد به سبب نزول آیه، مخاطبان را متخلفان از جهاد و تائبان دانسته‌اند (طبری، ۱۴۰۵: ۱۱ / ۲۰) برخی نیز مخاطب را منافقان دانسته‌اند (ابن تیمیه، بی‌تا: ۶ / ۲۲۷) علامه طباطبایی ضمن نفی هرگونه دلیلی بر تخصیص خطاب، مخاطب در آیه را عموم دانسته است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹ / ۳۲۸)

به نظرمی رسد با فرض پذیرش سبب نزول آیه درباره برخی مردمان عصر نزول مانند: متخلفان از جهاد، تائبان و منافقان، موجب تخصیص آیه به مخاطبان خاص و مانع تعمیم آن نسبت به همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها نمی‌شود.

مدلول حرف سین در کلمه «فَسْتَبْرَى»

برخی مفسران معتقدند که حرف سین در کلمه مذکور برای استقبال است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۰۴؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱ / ۵۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۳؛ خازن، ۱۴۱۵: ۲ / ۴۰۵) برخی مفسران معاصر نیز با توجه به دلالت حرف سین در کلمه «سَبْرًا» در آیه مورد نظر بر استقبال، حرف سین در «فَسْتَبْرَى» را سین تحقیق دانسته‌اند. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۶ / ۵۰۰)

مفهوم واژه «یری»

برپایه قواعد علم نحو، واژه «رأی» اگر به معنای علم و ظن باشد، دو مفعولی و در صورتی که به معنای بصر و دیدن باشد، یک مفعولی است (ابن‌انباری، بی‌تا: ۱۲۸) و برپایه گفته برخی مفسران با توجه به اینکه واژه «فَسْتَبْرَى» در این آیه یک مفعولی است، به معنای رؤیت بصری است و نه علم. (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۱: ۸ / ۱۲۸)

منظور از واژه «الْمُؤْمِنُونَ»

با توجه به تتبعات صورت گرفته، مفسران اهل سنت در باره مفهوم و مصداق واژه مذکور اظهار نظر نکرده‌اند و به نظر می‌رسد منظور این واژه همه مردم باشند، فخررازی در ذیل آیه محل بحث به حدیث «لَوْ أَنَّ رَجُلًا عَمِلَ عَمَلًا فِي صَخْرَةٍ لَا بَابَ لَهَا وَلَا كُوَّةَ لَخَرَجَ عَمَلُهُ إِلَى النَّاسِ كَأَنَّهَا كَانَتْ» (ابن‌حنبل، بی‌تا: ۲ / ۲۸)؛ اگر کسی در زیر سنگی که نه دری دارد و نه روزنه‌ای، کاری انجام دهد، کارش برای همه مردم آشکار و برملا می‌شود» استناد جسته است (رازی، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۴۲) اما مفسران امامیه با توجه به روایات صحیحه موجود، مصداق این واژه را امامان معصوم علیهم‌السلام دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۵ / ۲۹۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۱۰۳)

با توجه به مباحث پیشین به نظر می‌رسد، آیه مذکور پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را با واژه «قل» مخاطب قرار داده و مأموریت آن حضرت را این‌گونه تشریح کرده است که به همه انسان‌ها؛ اعم از مسلمان و کافر، مشرک و موحد، زن و مرد، پیر و جوان، ابلاغ نماید که هر آنچه می‌خواهند انجام دهند، هم اکنون اعمال آنان در مرآی و منظر خدای متعال، رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام است و در جهان آخرت به‌سوی خدای متعال برگردانده می‌شوند و او به آنها خبر خواهد داد که چه کارهایی را در دنیا انجام داده‌اند. لازم به ذکر است با توجه به شمول آیه برای همه مردمان در همه اعصار و قرون، در بردارنده هم وعده است و هم وعید، وعده‌ای است به نیکوکاران که ثبات قدم داشته باشند و وعید است برای تبهاران که از انجام کارهای زشت و ناشایست بپرهیزند؛ زیرا روزی نتیجه اعمال خود را خواهند دید.

۲. روایات

روایات عرض اعمال در منابع اهل سنت به‌صورت‌های مختلفی وارد شده است، برخی از آنها بیانگر زمان مسئله عرض اعمال در روزهای دوشنبه و پنج شنبه (طیالسی، بی‌تا: ۱ / ۳۱۶) و برخی متذکر کسانی است که اعمال انسان‌ها بر آنها عرضه می‌شوند و آنها عبارتند از: خدای متعال، پیامبران، مادران و پدران (ترمذی، ۱۹۹۲: ۲ / ۲۶۰)، برخی روایات نیز زمان عرض اعمال را قیامت دانسته‌اند (ابویعلی، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۲۰۴) منابع روایی شیعه نیز به‌صورت گسترده به بیان روایات عرض اعمال پرداخته‌اند، همچنین در برخی منابع بابی تحت عنوان «باب عرض الاعمال» اختصاص داده شده است که عبارتند از: بصائر الدرجات (صفا قمی، ۱۴۰۴: ۴۷۷)، الکافی (کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۵۴۳)، وسائل الشیعه (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳ / ۳۰۱)، بحار الأنوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳ / ۳۲۳) و جامع احادیث الشیعه (بروجردی، ۱۴۰۷: ۱۳ / ۳۰۱) شایان ذکر است بیشتر روایات عرض اعمال در منابع روایی شیعه، در ذیل آیه ۱۰۵ سوره توبه وارد شده است و با توجه به کثرت آنها و عدم گنجایش مقاله، از سویی و از سوی دیگر صحیح‌بودن اسنادشان، از بیان آنها خودداری می‌گردد.

شهادت بر اعمال

با توجه به هدفمندی خلقت انسان و جایگاه بلند او در نظام هستی در راستای جانشینی خداوند در کره خاکی از سویی و از سوی دیگر حضور او در محکمه عدل الهی در سرای آخرت، تمام حرکات و سکنات او مورد بازخواست و سؤال واقع

می‌شوند، خدای متعال برای جلوگیری از انکار پندارها، گفتارها و عملکردها توسط انسان‌ها در روز قیامت و دادگاه عدل الهی، شاهدانی را از درون و برون برای انسان در نظر گرفته، اما شاهدان درونی انسان، در برخی آیات خود انسان به‌عنوان شاهد معرفی شده «وَأَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ» (اعراف / ۱۷۲) و در پاره‌ای از آیات شاهدان اعمال انسان اعضای بدن و جوارح انسان هستند «يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ». (نور / ۲۴)

برخی آیات نیز به بیان شاهدان بیرونی پرداخته‌اند از جمله آیه شریفه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (بقره / ۱۴۳) براساس روایات مراد از امت وسط امامان معصوم علیهم‌السلام هستند «نحن الامة الوسطی، و نحن شهداء الله علی خلقه و حججه فی ارضه ... نحن الشهداء علی الناس ... الینا یرجع الغالی و بنا یرجع المقصر». (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۳۴)

شهادت شاهد مبتنی بر علم و یقین است و علم و یقین نیز از راه مشاهده و رؤیت به دست می‌آید، اهل سنت روایتی را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: «إِذَا رَأَيْتَ مِثْلَ هَذَا الشَّمْسِ فَاشْهَدْ وَ لَا فَدَعْ» (سرخسی، ۱۴۰۶: ۱۶ / ۱۱۲) بنابراین عرضه اعمال در روزهای به‌خصوص به محضر انبیا و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌تواند وسیله‌ای مطمئن برای شهادت بر اعمال انسان‌ها در روز قیامت باشد.

لزوم وجود میزان

در جهان هستی به‌منظور قیمت‌گذاری اشیاء مادی و معنوی، ابزار مختلف و متعددی قرار داده شده است. اعمالی که از انسان بما هو انسان صادر می‌شود نیز به جهت قیمت‌گذاری مورد سنجش قرار می‌گیرند، قرآن کریم برای سنجش اعمال انسان‌ها می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵) و همچنین ضمن تصریح به قرار دادن وسیله سنجش در روز قیامت «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (انبیاء / ۴۷) از کسانی سخن گفته است که اعمالشان دارای هیچ گونه ارزشی نیست: «أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا». (کهف / ۱۰۵)

اعمال انسان‌ها در ایستگاه‌های مختلفی مورد بررسی و سنجش قرار می‌گیرند، برخی از ایستگاه‌ها در دنیا و برخی در آخرت قرار دارند. در برخی روایات سخن از خودسنجشی است، امام باقر علیه‌السلام در روایتی فرموده است: «اعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّ كُنْتَ سَالِكًا سَبِيلَهُ زَاهِدًا فِي تَرْهِيْبِهِ رَاغِبًا فِي تَرْغِيْبِهِ خَائِفًا مِنْ تَخْوِيْبِهِ فَائْتَبْتُ وَ ابْشِرْ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّكَ مَا قِيلَ فَيْكَ وَ أَنْ كُنْتَ مُبَايِنًا لِلْقُرْآنِ فَمَا ذَا الَّذِي يَغُرُّكَ مِنْ نَفْسِكَ». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۸۴)

در برخی روایات نیز سخن از دیگرسنجی است و مصادیق دگرسنجی عبارتند از: قرآن کریم، پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام؛ امام سجاده علیه‌السلام در یکی از فرازهای دعای چهل و دوم می‌فرماید: «و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه» (کبیر مدنی، ۱۴۰۹: ۵ / ۴۱۵) و همچنین پیامبران و به‌ویژه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام به‌عنوان موازین معرفی شده‌اند، با توجه به مباحث مذکور به نظر می‌رسد یکی از حکمت‌های عرضه اعمال انسان‌ها به محضر انبیا الهی و امامان معصوم، سنجش اعمال باشد و اگر اعمال انسان‌ها در این مرحله از مراحل سنجش پذیرفته شوند، مصداق آیه شریفه «إِنَّهُمْ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (فاطر / ۱۰) می‌شوند.

استغفار

از آموزه‌ها و معارف بلند قرآنی استغفار است، در آیات متعددی از قرآن کریم به این مسئله پرداخته شده است، برخی آیات متضمن دستور خدای متعال به مسلمانان به استغفار است: «وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ» (بقره / ۱۹۹؛ مزمل / ۲۰) انسان‌ها در مواجهه با فرمان خدای متعال به استغفار مواضع مختلفی را برمی‌گزینند؛ برخی فرمان خدا را اطاعت و پس از ارتکاب اعمال زشت و ظلم به خویشتن، خدا را یاد و از او استغفار می‌کنند: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» (آل عمران / ۱۳۵) و برخی دیگر نیز به جهت داشتن خوی استکباری از فرمان خدا سر باز می‌زنند: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَتْهُمُ بِصُدُونٍ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ». (منافقون / ۵)

افزون بر استغفار انسان‌ها برای خود، برپایه برخی آیات قرآن کریم، حاملان عرش الهی و کسانی که گرد حاملان عرشند نیز برای مؤمنان استغفار می‌نمایند: «الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا» (غافر / ۷) در برخی آیات نیز از استغفار پیامبر ﷺ برای انسان‌ها سخن به میان آمده است: «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ». (آل عمران / ۱۵۹)

از جمله مباحثی که در مسئله استغفار باید مورد توجه استغفارکننده قرار گیرد، توجه و در نظر گرفتن گناه یا گناهانی است که مرتکب شده است، همچنین کسانی مانند: پیامبران الهی و امامان معصوم که برای انسان‌ها استغفار می‌کنند نیز باید از اعمال انسان‌ها مطلع و آگاه باشند، این‌گونه اطلاع از اعمال انسان‌ها می‌تواند یکی از ادله عرضه اعمال به پیشگاه پیامبران و امامان معصوم ﷺ باشد. انسان‌هایی که اعمالشان به حضور معصومان ﷺ عرضه می‌شوند به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند: گروهی مشرک و کافرند که هرگز مورد استغفار قرار نمی‌گیرند: «اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه / ۸۰) و گروهی نیز منافقند که آنها نیز از استغفار اولیا خدای متعال محرومند: «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ» (منافقون / ۶) و گروه سوم مسلمانان و مؤمنان هستند که پس از عرضه اعمال آنها به محضر معصومان مورد استغفار قرار می‌گیرند و بر این اساس در یکی از روایات عرض اعمال آمده است: «فَمَا مَفَارِقَتِي أَيَّاكُمْ فَهَوْخَيْرُ لَكُمْ، لِأَنَّ أَعْمَالَكُمْ تُعْرَضُ عَلَيَّ كُلِّ اثْنَيْنِ وَخَمْسٍ، فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ حَمِدْتُ اللَّهَ (تَعَالَى) عَلَيْهِ، وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئٍ اسْتَغْفَرْتُ لَكُمْ». (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۹)

هدایت باطنی

با توجه به هدفمندی خلقت انسان در راستای خلافت الهی، کمال و قرب الهی، خدای متعال برای وصول انسان به مقصد و مطلوب وسائط و ابزار متعددی را مانند کتاب‌های آسمانی، انبیا، رسولان، اوصیا و اولیا به‌عنوان هدایتگر قرار داده است، به‌طور کلی هدایت عامه، به دو قسم تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شود (سبحانی، ۱۴۰۹: ۷۳۲)، هدایت تکوینی شامل همه موجودات است: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلَقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰) و هدایت تشریحی شامل موجودات مکلفی مانند انسان و جن است: «وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ». (فاطر / ۲)

هدایت انسان‌ها نیز به دو قسم «ارائه طریق» و «ایصال الی المطلوب» تقسیم می‌شود (سبزواری، بی‌تا: ۱ / ۱۳۷) از برخی عبارات علامه طباطبایی در تفسیر المیزان چنین برمی‌آید که هدایت از نوع ارائه طریق به پیامبران اختصاص دارد و هدایت از نوع ایصال الی المطلوب به پیامبرانی اختصاص دارد که افزون بر مقام نبوت و رسالت، حائز مقام امامت نیز شده‌اند و همچنین شامل امامان معصوم ﷺ نیز می‌شود؛ وی همچنین هدایت به‌معنای ایصال الی المطلوب را نوعی تصرف تکوینی در نفوس انسانی دانسته و آن را به فیوضات معنوی و مقامات باطنی تعریف کرده که مؤمنان را به واسطه اعمالشان هدایت می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷ / ۳۴۶)

علامه طباطبایی در کتاب رساله الولایه خود، ضمن بیان اتصال اولیا الهی به جهان فراتر از جهان ماده و اطلاع آنها نسبت به بواطن امور، آن را یک امر اکتسابی دانسته است (همو، ۱۴۰۷: ۴۱) وی در جای دیگری از کتاب خود علت اتصال به عالم بالا را انقطاع نفس از بدن (همان: ۴۲) و وصول به کمال حقیقی را مستلزم فناء ذاتی، اسمی و فعلی در حق تعالی برشمرده است (همان: ۶۱) بر این اساس اولیای الهی به جهت اشرف و اطلاعشان به عوالم باطنی، بر هدایت باطنی که همان ایصال الی المطلوب است دسترسی دارند و انسان‌ها را برپایه نوع اتصالشان به جهان ماوراء ماده و توحیدشان مورد توجه و هدایت خود قرار می‌دهند.

سرنوشت انسان

در برخی آیات قرآن کریم از شبی مبارک با عنوان شب قدر سخن به میان آمده که ضمن تصریح به نزول قرآن کریم در آن شب، به تعیین سرنوشت انسان‌ها در شب مذکور تأکید شده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان / ۴) صفت حکیم به‌معنای آن است که تقسیم ارزاق و تقدیر آجال براساس حکمت خدای متعال برای بندگان مقدر خواهد شد، حکمت خدای متعال در مقدر کردن تقدیرات برپایه عملکرد انسان‌ها در گذشته است، اما عملکرد آینده انسان نیز در تغییر مقدرات

مؤثر است و آنچه براساس حکمت خدای حکیم و مبتنی بر عملکرد انسان‌ها در شب قدر برایشان مقدّر شده است، ممکن است براساس بداء و قانون محو و اثبات متغیر شود، بداء در آنچه برای انسان‌ها در شب قدر مقدّر شده، ممکن است در فرایند عرض اعمال به محضر معصومان علیهم‌السلام رخ دهد.

بر این اساس در روایتی که عبدالله بن مسکان از امام باقر، امام صادق و امام کاظم علیهم‌السلام نقل کرده، آمده است: «فیها يُعْرَقُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ امْرٍ حَكِيمٍ؛ ای بقدر الله کل امر من الحق و من الباطل - و ما يكون فی تلك السنة و له فيه البداء و المشیة - يقدم ما يشاء و يؤخر ما يشاء من الاجال و الارزاق - و البلايا و الاعراض و الامراض و یزید فیها ما يشاء و ینقص ما يشاء - و یلقیه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الی امیر المؤمنین علیه‌السلام و یلقیه امیر المؤمنین علیه‌السلام الی الائمه علیهم‌السلام حتی ینتهی ذلک الی صاحب الزمان علیه‌السلام، و یشترط له ما فيه البداء و المشیة و التقدیم و التأخیر». (قمی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۹۰)

مسئله ظهور

از جمله مسائلی که می‌تواند پیوند عمیق و گسترده‌ای با مسئله عرض اعمال داشته باشد، مسئله ظهور آخرین حجت خدای متعال به روی کره خاکی است. ظهور حجت خدای متعال منوط و مشروط به وجود یاوران شایسته است، احراز وصف شایستگی یاوران متوقف بر علم به بواطن امور انسان‌ها است. یکی از راه‌های احراز وجود یارانی با ویژگی‌های خاص، عرض اعمال مدعیان یآوری و منتظران حضرت است.

ب) ادله عقلی

تولید ابدان توسط روح انسان کامل: از آنجا که انسان موجودی ممتاز و منحصر به فرد در کره خاکی است، روح یا به عبارتی نفس انسان برگرفته از روح خدا است: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (حجر / ۲۹) و بنابر قول برخی فلاسفه روح انسان از جنس ارواح بلندمرتبه و جواهر قدسی است (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۷ / ۲۴) نفس انسان هنگامی که کامل می‌شود و در استکمال به درجات نهایی خود می‌رسد به کتاب علیین مبدل و مصداق «إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ» (مطففین / ۱۸) می‌شود (همان: ۶ / ۲۹۷) برای انسان کامل تعاریف متعددی ذکر شده است، مانند: جامع همه عوالم الهیه (جرجانی، ۱۳۷۰: ۱۸)، تجلی‌گاه اسماء و صفات خدای متعال (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱ / ۳۸۵)، کون جامع (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۹ / ۳۴۹)، برخی نیز معتقدند، انسان کامل، صادر و یا ظاهر اول است و همه موجودات جهان امکان؛ اعم از دنیوی و برزخی تحت احاطه وجودی مظهر اسم اعظم؛ یعنی انسان کامل است. (همان: ۴ / ۵۲۴)

با توجه به تعاریف یادشده از انسان کامل، برخی حکمای معاصر معتقدند: انسان کامل می‌تواند هزاران بدن را به اذن خدای متعال از خود تولید کند و در زمان واحد هر یک از بدن‌ها مشغول کاری متفاوت شود (خمینی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۹۹) بنابراین عرضه اعمال انسان‌ها به محضر امامان معصوم علیهم‌السلام که از مصادیق انسان کامل هستند، قابل تبیین باشد و انسان کامل به تعداد انسان‌هایی که اعمالشان به محضر او عرضه می‌شود، از خود، ابدان متعددی تولید کند و اعمال هر یک از انسان‌ها بر یک بدن از ابدان تولیدشده عرضه گردد.

عقل مستفاد

دومین دلیل از دلایل عقلی عرضه اعمال عقل مستفاد است. برای عقل مستفاد تعاریفی مانند: حضور نظریات در نزد عقل (صلیبیا، ۱۳۶۶: ۴۷۳)، حصول صورت معقولات به وسیله برهان یقینی (غفاری، ۱۳۸۰: ۸۷)، عقل کلی که صورت تمام عالم است (استرآبادی، ۱۳۵۸: ۲۸۷) برخی فلاسفه معتقدند: هرگاه روح انسانی به وسیله عقل قدسی صیقل داده شود به عبودیت تام دست پیدا کند، حجاب طبیعت رخت بر بسته و به نور معرفت و ایمان دست می‌یابد و این همان عقل مستفاد است که می‌توان به وسیله آن حقائق ملکوت را دید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳: ۳۵) بر این پایه عرضه اعمال بر انسان کامل به واسطه عقل مستفاد بدین بیان است که هنگامی که از انسان‌ها اعمالی صادر می‌شود، آن اعمال جنبه ملکوتی پیدا کرده و در نزد معصومان علیهم‌السلام حاضر می‌شوند و همچنان که اجسام توسط انسان‌های معمولی با چشم سر قابل رؤیت است، اعمال خوب و بد انسان‌ها برای انسان کامل به واسطه عقل مستفاد قابل مشاهده است.

تأسیس مدینه فاضله

یکی از مباحثی که از دیرباز مورد تأکید فلاسفه قرار گرفته، تأسیس مدینه فاضله است. مفاهیم فضیلت، سعادت حقیقی و خیر از مؤلفه‌های تشکیل مدینه فاضله است (مقدم و محمدی، ۱۳۹۶: ۵۸) فارابی معتقد است تشکیل مدینه فاضله مبتنی بر رئیسی است که دارای دو شرط اساسی باشد: شرط یکم قدرت بر ارشاد و تعلیم رعیت است و شرط دوم هم این است که رئیس مدینه فاضله نیازمند معلّم نباشد، بر این اساس همه علوم از طریق عقل فعال به عقل منفعل انتقال می‌یابد (فارابی، ۱۹۹۶: ۹) مهم‌ترین هدف از تشکیل مدینه فاضله اجرای عدالت است، بنابر این رئیس مدینه فاضله در راستای تحقق عدالت، هر انسانی را در مرتبه‌ای که لیاقت دارد، می‌نشانند. قرار دادن هر انسانی در مدینه فاضله در جایگاه شایسته خود توسط رئیس آن، نیازمند علم و اطلاع کافی در مورد یکایک انسان‌ها است.

اطلاع از احوال انسان‌ها از مصادیق علم غیب است و آن نیز در مرتبه یکم مخصوص خدای متعال است: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا» (جن / ۲۶) و در مرتبه بعد از خود آن را در اختیار برخی انسان‌ها قرار داده است: «إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا» (جن / ۲۷)، «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُم عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رَّسُولِهِ مَن يَشَاءُ» (آل عمران / ۱۷۹) انسان‌هایی که به درجه خلافت الهیه رسیده‌اند، مانند پیامبران الهی از این علم برخوردار بوده‌اند، چنانکه حضرت عیسی علیه السلام به مردمان عصر خود فرمود: «وَأَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ». (آل عمران / ۴۹)

پس از پیامبران الهی امامان معصوم علیهم السلام نیز از علم غیب برخوردار بوده‌اند، در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که فرمود: «نَحْنُ خُرَانُ عِلْمِ اللَّهِ وَنَحْنُ تَرَاجِمَةُ وَحْيِ اللَّهِ وَنَحْنُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَىٰ مَنْ دُونَ السَّمَاءِ وَمَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۹۲) بنابر این مصداق اتم رئیس مدینه فاضله خلیفه الله است، بر این اساس برخی حکمای معاصر بر این باورند که خلیفه الله برای انتظام بخشیدن به جهان هستی لازم است اولاً به جزئیات و ویژگی‌های اشیای مادی احاطه و علم داشته باشد و ثانیاً هدایت تکوینی موجودات امکانی؛ اعم از مادی و مجرد را به‌عهده داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳ / ۱۲۵) محصل کلام این است که رئیس مدینه فاضله برای اجرای عدالت و قرار دادن هر کسی در جای خودش، نیازمند علم و اطلاع از ظاهر و باطن همه انسان‌ها و احاطه وجودی نسبت به جهان هستی است و یکی از راه‌های دستیابی به این مهم عرضه اعمال انسان‌ها به محضر اوست.

آثار عرضه اعمال

پس از بیان ادله نقلی و عقلی عرض اعمال، اینک آثار آن مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱. شرم از انجام اعمال قبیح

از جمله اوصافی که در روایات متعدد بر اتصاف مسلمانان و مؤمنان به آن سفارش شده؛ صفت حیا است. برخی روایات حیا را لازمه دین و ایمان و بی‌حیایی را نشانه بی‌دینی دانسته‌اند. از دیدگاه برخی صاحب‌نظران، حیا صفتی است برای نفس که موجب خودداری از ارتکاب عمل زشت و همچنین باعث تنفر از انجام آنچه خلاف ادب و مایه سرزنش است؛ می‌گردد (مازندرانی، ۱۴۲۱: ۸ / ۳۱۷) خدای متعال، پیامبران، امامان معصوم و عالمان ربّانی از روش‌های متعددی برای برحذر داشتن انسان از گناه استفاده کرده‌اند. آگاهی و اطلاع انسان از اینکه همه حرکات و سکناتش در معرض رؤیت و مشاهده است، خود می‌تواند عاملی برای خودداری انسان از ارتکاب برخی اعمال زشت گردد. دانستن این مطلب که فرشتگانی مانند رقیب و عتید گفتار انسان‌ها را به‌طور کامل ثبت و ضبط می‌کنند: «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ» (ق / ۱۸) و همچنین کردار او نیز در زیر ذره بین خدای متعال قرار دارد؛ «وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا» (یونس / ۶۱) و آخرین پیامبر خدا نیز آنها را می‌بیند به‌طور قطع در تصمیم انسان برای انجام گناه و یا عدم ارتکاب آن به جهت استحياء از پیامبر تأثیر فراوانی دارد.

در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمود: «إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ خَمِيسٍ فَلْيَسْتَحْيِ أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلُ الْقَبِيحُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶ / ۱۱۳) روایت مذکور از نظر منطوق دلالت بر امر به استحياء

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ و از نظر مفهوم اولویت و فحوای کلام دلالت بر استحیاء از خدای متعال دارد، بر این اساس پیامبر گرامی ﷺ فرمود: «استحبوا من الله حق الحياء من استحیی من الله حق الحياء فليحفظ الرأس وما وعی و لیحفظ البطن و ما حوی و لیذكر الموت و البلاء و من اراد الآخرة ترك زينة الحياة الدنيا فمن فعل ذلك فقد استحیا من الله حق الحياء». (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۰۸)

۲. ایجاد انگیزه در تقوای پیشگی

یکی از دستورهایی که خدای متعال در قرآن کریم در موارد متعددی مؤمنان را به آن سفارش کرده است؛ رعایت تقوای الهی است، ایجاد انگیزه‌های دنیوی و اخروی نقش بسیار مهمی در عمل به دستورهای خدای متعال دارد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (طلاق / ۲)، یکی از انگیزه‌هایی که می‌تواند در رعایت تقوای الهی نقش بسزایی ایفا کند، شدت عمل خدای متعال با گناهکاران در روز قیامت است، اطلاع مؤمنان از عرضه اعمالشان به محضر انسان کامل، نقش پیشگیرانه در رهایی از شدت عمل خدای متعال با گناهکاران در روز قیامت دارد، بر این اساس در روایتی از روایات عرض اعمال از معصوم ﷺ آمده است: «رَوَى أَنْ أَعْمَلَ الْعِبَادَ تُعْرَضُ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَعَلَى الْإِيْمَةِ ﷺ كُلَّ يَوْمٍ إِبْرَارَهَا وَفَجَارَهَا فَأَخَذَرُوا وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ قُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۹۲)، عبارت «فَأَخَذَرُوا» که بیانگر نوعی شدت عمل انسان کامل با اعمال انسان‌هایی است که مرتکب گناه شده‌اند، می‌تواند نقش انگیزشی در رعایت تقوای الهی ایجاد کند.

۳. فرح پیامبر و امامان معصوم ﷺ

حکما و فلاسفه معتقدند: فرح از انفعالات ویژه روح انسان است (ابن سینا، ۱۴۰۴: ۲۶۶) و به معنای لذتی در قلب و روح انسانی است که از رسیدن به خواسته‌ها ایجاد می‌شود (جرجانی، ۱۳۷۰: ۷۱) واژه مذکور با همه مشتقاتش در قرآن کریم ۲۲ مورد، در ۱۳ سوره و ۲۱ آیه وارد شده است، در بیشتر موارد فرح مورد ذم واقع شده، اما یکی از مواردی که خدای متعال به مؤمنان دستور به فرح داده است آیه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا» است (یونس / ۵۸) «یا علی ان اعمال شيعتك تعرض علي في كل [يوم جمعة] فافرح بصالح ما عملوه، و استغفر لسنياتهم». (ابن حيون، ۱۴۰۹: ۲ / ۳۹۸)

از بررسی آیاتی که فرح را مذموم دانسته‌اند، به دست می‌آید که هر جا متعلق فرح دنیا و زخارف آن باشد مورد نهی خدای متعال است و هر کجا مربوط به آخرت و معنویت و کمال انسان است، مورد مدح واقع شده است و از آنجا که پیامبر گرامی اسلام عمر خویش را مصروف هدایت انسان‌ها کرده، در هنگام عرضه اعمال صالح خوشحال می‌شود و این فرح و خوشحالی همان چیزی است که در روایت فوق، پیامبر خود بدان اشاره کرده و فرموده است: «فافرح بصالح ما عملوه» همچنین در روایتی آمده است که داود رقی از اصحاب امام صادق ﷺ می‌گوید در نزد امام نشسته بودم که امام ابتدا به سخن کرده و فرمود: ای داود اعمالت روز پنج‌شنبه بر من عرضه شد، در میان اعمالت دیدم که به پسر عمهات صلّه و هدیه داده‌ای و من از این عمل تو خوشحال شدم. (بحرانی، ۱۳۷۴: ۲ / ۸۴۳)

۴. دعا برای شیعیان

در یکی از روایات عرض اعمال آمده است عبدالله بن أبان زیات می‌گوید: به امام رضا ﷺ عرض کردم برای من و خانواده‌ام دعا کنید، آن حضرت در پاسخ فرمود: آیا من این کار (دعا) را انجام نداده‌ام؟ و در ادامه فرمود: به خدا قسم اعمالتان شب و روز بر من عرضه می‌شود و در ادامه سخن به آیه شریفه «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (صفا، ۱۴۰۴: ۴۴۹) استناد فرمود. گفتگوی عبدالله بن أبان با امام رضا ﷺ در روایت فوق به وضوح رابطه امام و امت را مشخص کرده است، بر این اساس افزون بر رابطه عقلانی در مسئله ولایت‌پذیری، رابطه عاطفی و احساسی نیز برقرار است و به‌طور قطع اگر شیعیان مطابق دستورهای خدای متعال، پیامبران و امامان عمل نمایند، آنها نیز در جای خود شیعیان را دعا و یاری می‌نمایند.

۵. طلب زیادت اعمال برای شیعیان

یکی از آموزه‌های قرآنی، تضاعیف حسنات و زیادت اعمال انسان‌ها در عالم معنا است، وعده پاداش ده برابر درباره انجام کارهای نیکو: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (انعام / ۱۶۰) وعده پاداش هفتصد برابر به انفاق‌کننده: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبْتَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» (بقره / ۲۶۱) و برابری اعمال یک شبه انسان در شب قدر با هزار ماه: «ثِيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» (قدر / ۳) از جمله آن موارد است، در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: «إِذَا أَحْسَنَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ ضَاعَفَ اللَّهُ لَهُ عَمَلَهُ لِكُلِّ عَمَلٍ سَعْمِيَّةٍ ضِعْفٌ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ» (کوفی، ۱۴۰۴: ۲۹) یکی از مواردی که وعده زیادت عمل بر آن داده شده است، هنگام عرض اعمال انسان به محضر انسان کامل است، در یکی از روایات عرض اعمال آمده است که امام معصوم علیه السلام فرموده‌اند: «فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنٍ اسْتَزَدْتُ اللَّهُ لَكُمْ». (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۹۱)

نتیجه

از جمله اعتقادهای مورد اتفاق فریقین عرضه اعمال انسان‌ها به محضر عده‌ای خاص است، اهل سنت معتقدند: اعمال انسان‌ها به حضور خدای متعال، پیامبران، پدران، مادران و اموات عرضه می‌شود و امامیه بر این باورند که اعمال انسان‌ها به محضر خدای متعال، پیامبر گرامی اسلام و امامان معصوم علیهم السلام عرضه می‌شود.

برخی مشرکان و شکاکان و انسان‌های ضعیف‌الایمان مسئله عرض اعمال را انکار و یا مورد تردید و استبعاد قرار داده‌اند اما بر مدعای خود دلیلی اقامه نکرده‌اند.

ادله دلالت‌کننده بر مسئله عرض اعمال شامل دو دسته تحت عنوان ادله نقلی و عقلی قرار گرفته‌اند، ادله نقلی نیز شامل آیات متعدد از جمله آیه ۱۰۵ سوره توبه، روایات متعدد، وجود میزان اعمال، شهادت بر اعمال، هدایت باطنی، سرنوشت انسان و مسئله ظهور است و ادله عقلی نیز عبارت از: تولید ابدان متعدد توسط روح انسان کامل، عقل مستفاد و تأسیس مدینه فاضله می‌باشد. همچنین عرض اعمال دارای آثار فراوانی مانند: پرهیز از گناهان، شرم از انجام اعمال قبیح، فرح و سرور پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام و طلب زیادی اعمال برای انسان‌ها است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن ابیاری، عبدالرحمن بن محمد، بی تا، أسرار العربیه، تحقیق برکات یوسف جمود، بیروت، دار القلم.
- ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، کتاب من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن تیمیه، احمد عبدالحمیم، بی تا، مجموع الفتاوی، تحقیق عبدالرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، بی جا، مکتبه ابن تیمیه.
- ابن حنبل، احمد، بی تا، مسند احمد، مصر، مؤسسه قرطبه.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، ۱۴۰۹ ق، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم السلام، تحقیق محمدحسین حسینی جلالی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۴ ق، رساله فی الادویه القلیبیه، بی جا، بی تا.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول من اخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۶۹، متشابه القرآن و محکمه، قم، بیدار.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۳۷۶، محاسبه النفس، تحقیق زین الدین ابن علی و ابراهیم بن علی کفعمی، تهران، مرتضوی.
- ابن عبدالوهاب، حسین، بی تا، عیون المعجزات، قم، مکتبه الدواری.
- ابویعلی موصلی تمیمی، احمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، مسند ابی یعلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دمشق، دار المأمون للتراث.
- استرآبادی، محمدتقی، ۱۳۵۸، شرح فصوص الحکم، تهران، دانشگاه تهران.

- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۵، *تقریرات فلسفه*، تهران، مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۳۷۴، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تهران، مؤسسه بعثت.
- بروجردی، آقاحسین، ۱۴۰۷ ق، *جامع احادیث الشیعه*، قم، مدینه العلم.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة*، تهران، دنیای دانش.
- ترمذی، محمد بن علی، ۱۹۹۲ م، *نوادیر الاصول فی احادیث الرسول ﷺ*، تحقیق عبدالرحمن عمیره، بیروت، دار الجیل.
- تهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶ م، *کشاف اصطلاحات الفنون و العلوم*، بیروت، مکتبه ناشرون.
- جرجانی، سید شریف علی بن محمد، ۱۳۷۰، *کتاب التعریفات*، تهران، ناصر خسرو.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت علیه السلام.
- حوزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان.
- خازن، علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*، تحقیق عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۰۹ ق، *الالهیات*، بیروت، الدار الاسلامیه.
- سبزواری، هادی، بی تا، *شرح اسماء الحسنی*، قم، مکتبه بصیرتی.
- سرخسی، شمس‌الدین، ۱۴۰۶ ق، *المبسوط*، بیروت، دار المعرفه.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، تحقیق محمد خواجه‌ای، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱ م، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- صفار قمی، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ ق، *بصائر الدرجات*، تحقیق میرزا حسن کوجه‌باغی، تهران، اعلمی.
- صلیبا، جمیل، ۱۳۶۶، *فرهنگ فلسفی*، تهران، حکمت.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۰۷ ق، *رساله الولایه*، بیروت، دار التعارف.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۵ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار النشر.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ ق، *الامالی*، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دارالثقافه.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیلسی، سلیمان بن داود، بی تا، *مسند ابی داود الطیلسی*، بیروت، دار المعرفه.
- غفاری، سید محمدخالد، ۱۳۸۰، *فرهنگ اصطلاحات شیخ اشراق*، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فارابی، ابونصر، ۱۹۹۶ م، *کتاب السیاسة المدنیة*، مقدمه و شرح علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ ق، *تفسیر القمی*، تحقیق طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب.
- کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، تحقیق محسن حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، *الکافی*، تصحیح دارالحديث، قم، دارالحديث.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، ۱۴۰۴ ق، *المؤمن*، قم، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام.
- مازندرانی، محمدصالح، ۱۴۲۱ ق، *شرح اصول الکافی*، تحقیق المیرزا ابو الحسن الشعرانی، بیروت.

- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، تحقیق محمدباقر بهبودی و عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، مؤسسه الوفا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، ره توشه، تحقیق کریم سبحانی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مقدم، قاسم و محمدرضا محمدی اشیانی، ۱۳۹۶، «ابتنای مدینه فاضله فارابی بر اصالت انسان متصل به وحی»، حکمت اسلامی، شماره ۱۲، ص ۷۰ - ۵۱، قم، مجمع عالی حکمت اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۴۲۱ ق، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاجیاء التراث.

